**نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی**

**چکیده**

امروزه توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با چالش­های متعددی مواجه استاز طرفی جوامع روستايي به نوعي با معضل بيكاري دست به گريبان هستند و اين معضل به عنوان يكي از مهم­ترين مشكلات اقتصادي و اجتماعي روستاها مطرح مي­باشد كه رفع اين مشكل تا حدود بسيار زيادي به تقويت كارآفريني و موفقيت كارآفرينان در نواحي روستايي بستگي دارد.كارآفريني به عنوان يك فرآيند، پديده، نظام و راهبرد نه تنها براي جامعه­ي گسترده­ي روستا در پهنه­ي سرزمين، توليد شغل مي­كند، بلكه با تقويت مهارتها و ظرفيت اجتماع محلي، چرخش درآمد در روستاها را تغيير و شكل جديد مي­دهد. توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان است. همچنین فرصتهای مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می­کند و می­تواند یکی از زمینه­های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش­های کشاورزی و غیر کشاورزی باشد. لذا هدف از انجام این پژوهش، که به صورت مروری و با استفاده از منابع کتابخانه­ای و اینترنتی تهیه شده است، بررسی نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی می­باشد.

**واژه­های کلیدی:** کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، توسعه پایدار

**مقدمه**

امروزه توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با چالش­های متعددی مواجه است چرا که، راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی کاملا موفقیت آمیز نبوده و نتوانسته­اند مسائلی همچون فقر، اشتغال، بهداشت، امنیت غذایی و پایداری محیط زیست را تأمین کنند. این راهبردها در توزیع منافع حاصل از رشد و توسعه نیز موفق نبوده و سبب ایجاد مشکلات متعددی در این کشورها شده است (Stockdale, 2006). این مسئله باعث شده است که در دهه­های اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته و نظریه­پردازان، برنامه­ریزان و مجریان دولتی در صدد برایند تا با ارائه راهکارها و روش­های جدید، از معضلات و مسائلی که این نواحی گریبانگیرآن هستند، بکاهند (Chowdhury, 2007)*.* در دنیاي امروز، کارآفرینی و ایجاد مشاغل نوین براي ادامه حیات و پویایی اقتصاد کشورها بسیار ضروری می­باشد (Dahlstrand, 2007; Saarenketo et al, 2009). کارآفرینی به خاطر این که منجر به افزایش کارائی اقتصادي می­شود، نوآوري را به بازار کار و تولید می­آورد، مشاغل جدید ایجاد می­کند و وضعیت اشتغال را بهبود می­بخشد، بسیار مهم می­باشد (Shane & Venkataraman, 2000). به خاطر همین اثرات مثبت کارافرینی، در خلال دهه گذشته بسیاري از کشورهاي در حال توسعه از جمله ایران به کارافرینی به عنوان یک راه حل اساسی بالقوه براي مشکلات گوناگون پیشروي کشور از جمله نبود بهبود و کارایی در اقتصاد و افزایش نرخ بیکاري، توجه جدي مبذول داشته­اند (کریمی، 1393). اهميت كارآفريني در توسعه­ی روستايي در اين است كه زمينه­هاي استفاده از آن در نواحي روستايي بسيار گسترده و متنوع است و اين نواحي، محيط بكري براي بروز كارآفريني به شمار مي­آيند. فعاليت­هاي مربوط به بخش كشاورزي ازجمله زراعت، باغداری، پرورش انواع دام و طيور، زنبور عسل و فعاليت­هاي جنگلداري، آبخيزداري و حفظ منابع طبيعي، حفظ محيط زيست، توسعة صنايع روستايي، صنايع دستي، خانگي، كارگاهي و كارخانه­ای و گردشگري روستايي مهم­ترین زمينه­های بروز كارآفريني در نواحي روستايي هستند. تمامي اقدامات و فعاليت­هايي كه مي­توانند مستقيم يا غيرمستقيم به ايجاد اشتغال و افزايش درآمد بينجامند و به بهره­برداری مطلوب و پايدار و به طوركلي بهبود كيفيت زندگي در نواحي روستايي ياري رسانند، در قلمرو كارآفريني روستايي قرار مي­گيرند (کرد و آبتین، 1392).

**سیر تاریخی تعریف کارآفرینی**

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول 1- سیر تاریخی تعریف کارآفرینی از دیدگاه صاحب­نظران مختلف** | |
| از نظر رابرت رونستات (1984) | کارآفرینی روند پویایی در جهت افزایش و ایجاد سرمایه است. این کار توسط فردی انجام می­شود که خطر از دست دادن زمان یا فرصت­های شغلی دیگر را در جهت ارزش برای یک محصول یا خدمت می­پذیرد. |
| رابرت هیسریچ (1985) | کارآفرینی فرایند خلق چیزی نو، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است. |
| مک میلان و ام. لو (1988) | معتقدند که کارآفرینی یعنی ایجاد شرکت­های جدید |
| تراپ­مان و مورنتیک استار (1989) | در کتاب نظام­های کارآفرینانه در دهه 1990 می­آورند: کارآفرینی یعنی ترکیب متفکر با مجری، کارآفرین فردی است که فرصت ارائه یک محصول، خدمات، روش و سیاست جدید یا راه تفکری جدید برای یک مشکل قدیمی را می­یابد. کارآفرین فردی است که می­خواهد تاثیر اندیشه، محصول یا خدمات خود را بر نظام مشاهده کند. |
| ویلیام بای گریو (1994) | معتقد است که کارآفرین فردی است که یک فرصت را در می­یابد و برای پیگیری یک سازمان را راه­اندازی می­کند و فرایند کارآفرینی تمام وظایف، فعالیت­ها و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پیگیری آن فرصت­ها ارتباط می­یابد دربر می­گیرد. |
| (شاه­حسینی، 1385) | |

**تعریف کارآفرینی**

کارآفرینی یکی از امور تسهیل کننده و پیش­برنده توسعه روستایی است (ترکاشوند، 1393). کارآفرینی فرآیند ارتقاء تکنولوژي از طریق ایجاد و تاسیس کسب و کار یا سازمان جدید است. در این فرآیند شغل­هاي تازه­اي پدید می­آید و نیروي کار، نیازمند مهارت­هاي نوین می­گردد و ساختارهاي نوینی براي آموزش و نیز ارائه خدمات پدیدار می­گردد (دیوسالار و نقوی، 1391). امروزه كارآفريني در نقش يك راهبرد در توسعه و شكوفايي و رشد جوامع انساني، به جايگزين بي­بديلي تبديل شده است كه از طريق آن همه عوامل و منابع و امكانات يك جامعه به صورت خودجوش و از راه قرارگرفتن در يك روند تكاملي در جهت نيل به آرمان­هاي بلند اجتماعي بسيج مي­شوند تا منشأ بسياري از آثار و پيامدهاي مثبت اقتصادي – اجتماعي گردند (فاضل بیگی و یاوری، 1388).

**نتایج مفید کارآفرینی**

اقتصاددانان معتقدند که کارآفرینی سه نتیجه مفید براي جوامع دارد:

* اشتغال مفید، پایدار و مولد؛
* نوآوریهای تأثیرگذار در عرصه اقتصادي، اجتماعی و زیست محیطی؛
* ثروت و رفاه (کلاگر و آقایی، 1393).

**تعاریف کارآفرین**

احمد پورداریانی(1379، ص9) و روبرت هیسریچ (2002) کارآفرین را به عنوان یک مبتکر مطرح می­نمایند و معتقدند وظیفه کارآفرین شکل­دهی مجدد یا تغییر اساسی در الگوی تولید از طریق دستیابی به یک اختراع جدید، دستیابی به شیوه جدید تکنولوژی، تولید یک محصول جدید، تولید یک محصول قدیمی به شیوه جدید برای محصول یا راه­اندازی یک صنعت جدید می­باشد (آزما و آقایی، 1388).

لگ و هایندل (1997) معتقدند که کارآفرین فردی است که اقدام به ایجاد یک فعالیت اقتصادی جدید می­کند، چه به صورت یک سازمان جدید و چه به صورت کار ابتکاری در سازمان (شهرکی پور و همکاران، 1389).

وگنر(2004)؛ اصطلاح کارآفرینان را به شکل جالبی توصیف می­کند و از آنها به عنوان کسانی که یک راه شغلی را به فعالیت درآورد و خوداشتغالی ایجاد می­کنند. این افراد باید آمادگی و تمایل به حرکت از اشتغال به سوی خوداشتغالی را داشته باشند. در حقیقت می­توان گفت کارآفرینان نوظهور همان آغازگران فرایند کارآفرینی هستند که سبب ایجاد تجارت نو و پویا گردیده­اند (عسگریان دهکردی، 1389).

**ویژگیهای کارآفرین**

جدول زیر ویژگی­های افراد کارآفرین را نشان می­دهد. این فهرست که شامل 19 صفت بارز در کارآفرینان می­باشد در گرد همایی کاربردی کارآفرینی در سال 1977 میلادی تهیه شده و مورد پذیرش قرار گرفته است که تا به امروز نیز اعتبار خود را حفظ کرده است.

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول 2- ویژگی­های بارز افراد کارآفرین** | |
| ویژگی­های عمومی | صفت بارز |
| خود باوری | - اعتماد بنفس  - استقلال رای  - خوش­بینی |
| میل به نتیجه | - نیاز به کامیابی  - منفعت­شناسی  - ایستادگی، پشتکار، اراده  - پیش­قدمی |
| ریسک­پذیری | - توانایی ریسک­پذیری  - اشتیاق به کارهای بزرگ |
| هوایت و رهبری | - رفتار هدایت­گرانه  - مردم­مداری  - انتقاد پذیری |
| خلاقیت | - نوآوری، ابتکار  - انعطاف­پذیری  - تدبیر و کاردانی  - تغییر پذیری |
| آینده­نگری | - دور اندیشی  - قدرت درک |
| (شاه­حسینی، 1385) | |

**کارآفرینی کشاورزي**

كارآفريني كشاورزي راهكاري جديد در نظريه­هاي توسعه براي توانمندسازي و ظرفيت­سازي در مناطق روستايي در جهت تغيير الگوي زندگي و فعاليت كنوني (كه معيشتي و آسيب پذير است) به الگويي مطلوب و شايسته انساني و وسيله­اي براي ايجاد برابري اقتصادي، اجتماعي، محيطي و نهادي و سرانجام ابزاري مهم براي رسيدن به توسعه پايدار به شمار مي­آيد (سجاسی قیداری و همکاران، 1390). درواقع، کارآفرینی کشاورزي می­تواند صرف نظر از این که یک منبع درآمد و اشتغال براي ساکنین روستا باشد در توسعه اقتصادي روستا و در نهایت توسعه روستایی مؤثر باشد (کلاگر و آقایی، 1393). کارآفرینی در کشاورزي به عواملی مانند شرایط منطقه، خصوصیات مزرعه و مقدار محصول بستگی دارد. شکاف وسیع­تر میان مناطق روستایی و شهري در کشورهاي در حال توسعه و چیرگی صنعت بر کشاورزي و گرایش استراتژي­ها و سیاست­هاي توسعه به سمت صنعت، همراه با ویژگی­هاي اقتصادي- اجتماعی جامعۀ روستایی و کشاورزي باعث شده است تا کارآفرینی کشاورزي کمتر رشد داشته باشد (کلاگر و آقایی، 1393).

**خصوصیات کارآفرین کشاورزی**

یک کارآفرین بخش کشاورزي براي این که بتواند نقش مؤثرتري در توسعه کشاورزي ایفا کند و در این راستا به حداکثر سود نیز دست یابد، می­بایست خصوصیات ذیل را داشته باشد:

* جلوگیري از اتلاف منابع (مدیریت بهره­وري)
* تولید کالاي باکیفیت (مدیریت کیفیت)
* تولید در مدت زمان کمتر (مدیریت زمان)
* برخورد بهتر و سریع­تر با موانع و محدودیت­ها (مدیریت راهبردي)
* کشف و بهره­برداري از منابع جدید (خلاقیت و نوآوري)
* داشتن قوه پیش بینی و در صورت لزوم سرمایه­گذاري بیشتر (آینده­نگري و برنامه­ریزي)
* بهره­برداري صحیح از منابع (مدیریت بهره­وري). (ربیعی منفرد و همکاران، 1389 به نقل از کلاگر و آقایی، 1393).

**مزایاي کارآفرینی در بخش کشاورزي**

* سازگاري توسعه اشتغال با پراکندگی توزیع جمعیت روستایی
* اقتصادي­تر بودن ایجاد اشتغال در بخش کشاورزي نسبت به صنعت
* سهولت بیشتر ادغام بخش کشاورزي در بازارهاي جهانی
* قابلیت ارتقاي کیفی نظام تولید کشاورزي در سطح امکانات موجود
* نیاز به نسبت کمتر شاغلان کشاورزي به آموزش­هاي حرفه­اي و تخصصی
* نگه­داري جمعیت روستایی در روستاها
* قابلیت تکاثري کارآفرینی در بخش کشاورزي (عبودی، 1390 به نقل از کلاگر و آقایی، 1393).

کارآفرینی می­تواند با خلق فرصت­های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد (طوسی و همکاران، 1393). در واقع، کارآفرینی به عنوان یک عنصر عمل می­کند که ضمن افزایش رشد از طریق شکل­گیری کسب و کار، مشوق­های مالیاتی و جذب کارکنان خلاق جوان؛ موجب بالا رفتن استانداردهای زندگی می­شود. همچنین کارآفرینی رشد محلی را به دنبال دارد، از این رو در مناطق روستایی مهم است (تقدیسی و همکاران، 1394).

**آموزش کارآفرینی**

**اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی**

با توجه به دو برابر شدن جمعیت ایران در 28 سال گذشته، بیشتر کسانی که در سال­های بعد از انقلاب متولد شده­اند، به سرعت به جمع متقاضیان کار می­پیوندند و این افراد بر اساس ارائه سازمان برنامه­ریزی کشور و وزارت کار و امور اجتماعی اغلب از مدارج بالاتر دانشگاهی برخوردار هستند. این در حالی است که عصر حاضر را عصر فراصنعتی یا اطلاعاتی می­نامند، به طوریکه سرعت تغییر و تحولات به گونه­ای است که از آن به عنوان شگفتی­های سرعت و تحولات نام می­برند. در این دوره از اهمیت کار یدی، اشتغال و حتی زندگی به شیوه عصر سنتی و صنعتی کاسته شده است و به جای آن، نیروی انسانی کیفی که توان خلاقیت و نوآوری با بکارگیری فکر و اندیشه را دارد، اهمیت پیدا کرده است. پس واضح است که نیروی انسانی با منشا ایده و اندیشه خلاق و هم چنین، با خصیصه­های ارزش آفرینی و کارآفرینی که محصول دستگاه آموزش عالی است باید خود دارای برنامه­های جامع الاطرافی برای کارآفرینی باشد (حسینی لرگانی و همکاران، 1387). به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. گرچه در سال­های گذشته اختراع جایگاه ویژه­ای در توسعه کشورها داشته است، اما امروز کارآفرینی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی بشمار می­آید. به طوریکه در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر دهه­های طلایی کارآفرینی نام گرفته اند. در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مقوله کارآفرینی به عنوان اصلی­ترین منبع توسعه مورد نظر قرار گرفته است. با توجه به افزایش رشته­های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اهمیت نظام آموزشی و پرورشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می­شود. امروزه دوره­های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در طرح دروس دانشگاهی در رشته­های مختلفی باز کرده است، بلکه در دوره­های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان مورد توجه قرار گرفته است (اکبری، 1385).

آموزش کارآفرینی فرآیندی نظام­مند، آگاهانه و هدف­گرا است که به صورت خلاق افرادی که گرایش بیشتری به راه اندازی کسب و کار مستقل دارند را تربیت می­کند (سعیدی و مهتدی، 1387 به نقل از گلدوست و همکاران، 1393).

در این نوع آموزش بر ارتقای مهارت­های علمی و فنی مورد نیاز برای راه اندازی و اداره­ی کسب و کار استفاده می­شود تا بر پایه نوع فعالیت، باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش­ها، مهارت­ها و توانایی­های افراد غیر کارآفرین شود. این گروه از فعالیت­ها، مهارت­هایی چون گرایش به استقلال، فرصت­جویی، ابتکار، خطر پذیری، تعهد به کار، گرایش به حل نارسایی­ها و لذت بردن از نبود قطعیت و ابهام را ارتقاء داده، تا شمار افراد علاقمند به راه اندازی طرح­های کارآفرینی متکی به خود و آگاه به فرصت­ها در جامعه افزایش یابد. این افراد شامل پیشروان در فعالیت­ها، ماجراجویان، جسوران، مبتکران، فرصت­طلبان، جاه طلبان و ارتقا جویان هستند. مهارت­های مدیریتی شامل مدیریت مالی، بازاریابی، برنامه­ریزی، سازماندهی، اداری و امور کارکنان، مهارت­های کارآفرینی شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصت­های جدید در بازار و ارایه راه­حل­های نوآورانه در رویارویی با چالش­ها و در نهایت مهارت­های کارکنان شامل خوداتکایی، اعتماد به نفس، خلاقیت، مسئولیت­پذیری و غیره است که در آموزش کارآفرینان تأکید می­شود (گلدوست و همکاران، 1393).

نکته­ی مهم و قابل توجه در آموزش کارآفرینی این است که در آن، روش­های رسمی و غیررسمی آموزش با هم ترکیب می­شوند. روش­های رسمی آموزش کارآفرینی چارچوب­های نظری را برای افراد فراهم می­کنند و روش­های غیر رسمی آموزش کارآفرینی بر مهارت، نگرش و رفتار تمرکز کرده موجب ارتقای مهارت، توسعه نگرش و تغییر رفتار افراد می­شوند و آموزش کارآفرینی، آگاهی و درک افراد در مورد فرآیند آغاز کسب و کار و روش اداره آن را افزایش می­دهد (کردنائیج و همکاران، 1386 به نقل از گلدوست و همکاران، 1393).

گاراوان و اوسینید با بررسی برنامه­های آموزشی کارآفرینی، محتوای آن را در قالب سه محور کلی مفهوم­سازی نمودند:

1. در برنامه­های مرحله­ی شکل­گیری کسب و کارها، بر کسب دانش در حوزه­هایی همچون اطلاعات دانشی و زمینه­ای در دنیای کسب و کار، ماهیت کارآفرینی، ویژگی­های تیم­های اثربخش و ماهیت تعاملات و فعالیت­های کسب و کار تاکید می­شود.
2. برنامه­های مرحله توسعه کسب و کار بر مهارت­ها و نگرش­ها تاکید دارد؛ موضوعات محتوایی همچون برنامه­ریزی کسب و کار، انتخاب بازار، برنامه­ریزی مالی، شناسایی محصول و دریافت هدایای مالی؛
3. برنامه­های مرحله اجرای کسب و کار بر دانش­ها و نگرش­های کلی متمرکز است. برنامه­هایی همچون برنامه­ریزی مالی، مدیریت رشد کسب و کار، کارکردها و نگرش­های مدیریت و تبادل اطلاعات از کارآفرینان به مدیران (زارع احمدآبادی و عربشاهی، 1390).

**کارآفرین روستایی**

كارآفرين روستايي به كساني اطلاق می­شود كه با داشتن ويژگي­هاي روان شناختي منحصر به فرد مانند احساس نياز به انجام كارهاي بزرگ، بهره­مند از هوش كافي، تأثيرگذار بر ديگران، عملگرا، تمايل به انجام كارهاي ابداعي و نه انطباقي، واقع­گرا، مقاومت در برابر شكست، مسئوليت­پذير، اعتماد به نفس، زمان شناس، اميدواري دائمي به كسب موفقيت و تمايل نسبي به پذيرش ريسك اقدام به توليد ارزش در مناطق روستايي مي­كند (حیدری ساربان، 1394). کارآفرینان روستایی درطی فرایند کارآفرینی خود و با راه اندازی و توسعة کسب و کاری جدید نقش مهمی در توسعة اقتصاد روستایی ایفا می­کنند. کاهش بیكاری و افزایش نرخ اشتغال، افزایش درآمد و رفاه مردم محلی، افزایش تولیدات و خدمات و در نهایت، کاهش مهاجرت ازجمله پیامدهای مثبت و مؤثر در ایجاد مشاغل جدید در نواحی روستایی است (عبدالله­زاده و همکاران، 1393).

**کارآفرینی روستایی**

همانند کارآفرینی، کارآفرینی روستایی هم براي افراد مختلف معانی متفاوت دارد. اما بدون توجه به بعد معناشناسی، تعریف ساده کارآفرینی روستایی می­تواند این باشد: "کارآفرینی در نواحی روستایی" (کریمی، 1393). مناسب ترین تعریف کارآفرینی روستایی این گونه تشریح می­گردد: نیرویی که سایر منابع را براي پاسخ­گویی به تقاضاي بی­پاسخ بازار بسیج می­کند، توانایی خلق و ایجاد چیزي از هیچ و فرایند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدي از منابع براي بهره­گیري از یک فرصت. چنین تعریفی از کارآفرینی با هر نوع ساخت­مندي عوامل تولید مرتبط بوده و مانع بروز فناوري­هاي نوآورانه نمی­گردد (کلاگر و آقایی، 1393). در اصل، کارآفرینی روستایی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد؛ فقط شرایط خاص مناطق روستایی از جمله بالاتر بودن ریسك، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی، باعث می­شود که زمینه­های کارآفرینی در این نواحی با سایر نواحی و فعالیت­ها متفاوت باشد (طوسی و همکاران، 1393).

کارآفرینی روستایی راهکاري جدید در نظریه­هاي توسعه براي توانمندسازي و ظرفیت­سازي در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر روستا، ایجاد فرصت­هاي برابر اقتصادي، اجتماعی، محیطی و نهادي می­باشد و ابزاري مهم براي رسیدن به توسعه پایدار است (رکن الدین افتخاری و همکاران، 1389؛ کلاگر و آقایی، 1393). درواقع، کارآفرینی روستایی، به عنوان اساسی­ترین رکن در توسعه­ی روستایی در راستای اشتغال­زایی، انتقال فناوری، ترغیب و تشویق سرمایه­گذاری، افزایش رفاه و غیره از جنبه­های گوناگون مدنظر است (حیدری ساربان، 1392). به عبارتی، توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع­بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان است. همچنین فرصت­های مناسبی برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می­کند و می­تواند یکی از زمینه­های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش­های کشاورزی و غیرکشاورزی باشد (ولائی و همکاران، 1394). از طریق کارآفرینی روستایی می­توان با شناسایی مزیت­ها، ظرفیت­ها و محدودیت­های جوامع روستایی بر اساس برنامه­ریزی رهبردی مناسب، به توسعه اقتصادی روستایی دست زد (تقدیسی و همکاران، 1394).

**چالش­های کارآفرینی روستایی**

چالش­های کارآفرینی روستایی به شرح زیر می­باشند:

* **منابع انسانی**: دسترسی به نیروي کار ماهر که حاضر به کار کردن در مناطق روستایی باشند، یکی از موانع کسب و کارهاي روستایی می­باشد.
* **کاهش جمعیت و بازار محلی کوچک**: کاهش جمعیت در نواحی روستایی، مشکلات متعددي نظیرکمبود نیروي کار و کاهش سطح خدمات را به وجود می آورد.
* **دور بودن نواحی روستایی**: دور بودن و پراکنده بودن روستاها باعث محدودیت دسترسی به منابع انسانی و اطلاعاتی، بازارهاي بزرگ براي خرید و فروش نهاده­ها و تولیدات و مؤسسات حمایت کننده کسب و کارهاي کوچک می­شود.
* **منابع مالی**: عدم دسترسی به منابع مالی مشکل دیگري است که اکثر کارآفرینان روستایی در کشورهاي در حال توسعه از جمله ایران با آن روبرو هستند.
* **رقابت پذیري**: کسب و کارهاي کوچک نسبت به ورود کسب و کارهاي بزرگ به بازار آسیب پذیر هستند.
* **زیرساخت ارتباطات و حمل و نقل**: دوردستی نواحی روستایی براي کسب و کارهاي کوچک چالش حمل و نقل را به وجود می­آورد.
* **قوانین و مقررات**: به طور کلی، قوانین و مقررات دولتی در ایران مشوق راه­اندازي و توسعه کسب و کار، به ویژه در نواحی روستایی نیستند.
* **موانع اجتماعی- فرهنگی**: جامعه به طور کلی نسبت به کارآفرینی و داشتن شغل آزاد در مقایسه با مشاغل دولتی و یا کارمند بودن، نگرش منفی دارد.
* **فرصت­هاي کارآفرینی روستایی**: علی­رغم چالش­هاي مذکور، نواحی روستایی مزایاي متعددي براي تأسیس انواع کسب و کارها فراهم می­کنند.
* **مزایاي زیرساختی**: اگرچه ممکن است دورافتادگی و انزواي نواحی روستایی مشکلاتی را از لحاظ حمل و نقل ایجاد کند، اما از طرف دیگر استفاده کارآمد از فناوري­ها، گزیدارهایی را به کارآفرینان ارائه می­دهد که می­توانند به آسانی بر این موانع غلبه کنند.
* **فناوري­هاي اطلاعات و ارتباطات**: فناوري­هاي اطلاعات و ارتباطات می­توانند فرصت­هاي بی­نظیري را براي کسب و کارهاي کوچک در مناطق روستایی فراهم نمایند.
* **منابع و مناظر طبیعی و کیفیت زندگی**: منابع و مناظر طبیعی غنی می­توانند فرصت­هاي اقتصادي جدید را هم براي صنعت و هم تفریح و سرگرمی فراهم آورند.
* **ارزان بودن زمین و هزینه­هاي اولیه ساختمان**: هزینه­هاي مربوط به زمین و ساختمان در نواحی روستایی و شهرهاي کوچک­تر بسیار ارزان­تر از شهرهاي بزرگ می­باشد.
* **فرهنگ و سنن محلی**: کارآفرینان روستایی می­توانند از ویژگی­هاي منحصر به فرد محلی جهت متمایز کردن و بازاریابی محصولات/خدمات خود بهره ببرند.
* **شبکه­هاي کسب و کار**: به خاطر روابط نزدیک بین ساکنین نواحی روستایی، محققان معتقدند که در این نواحی شبکه بندي کسب و کار آسان­تر و کارآتر می­باشد (کریمی، 1393).

پوررجب میاندوآب (بی­تا) معتقد است، مهم­ترین چالش­های پیش روی کارآفرینی روستایی در 4 عرصه تامین منابع مالی و اعتباری، آموزش و مهارت­آموزی، نقش دولت و اشتغال زنان می­باشند.

از طرفی، یکی از مسائل زیربنایی جهت توسعه کارآفرینی، موضوع روحیه کارآفرینی است. داشتن روحیه کارآفرینی از مهم­ترین عوامل مؤثر در موفق بودن یک فرد یا یک جامعه در مسیر کارآفرینی است. برای رسیدن به روحیه کارآفرینی قوی نیاز به پرورش و تقویت ویژگی­های کارآفرینی است. داشتن روحیه کارآفرینی یکی از چالش­هایی است که همواره پیش روی کارآفرینی چه در شهرها و چه در روستاها بوده است. بسیاری از افراد به این صورت استنباط می­کنند که تنها تفکر در مورد یافتن فرصت­های شغلی می­تواند در کارآفرین بودن افراد کمک کند. اما این نکته را نادیده در نظر می­گیرند که تقویت ویژگی­های کارآفرینی و در کل تقویت روحیه کارآفرینی به عنوان اساس و پایه فعالیت­های کارآفرین، می­تواند بیش از پیش در پیشبرد اهداف کارآفرین موفق واقع شود (ایزدی و عطایی، 1392).

**نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی**

روستاها به عنوان کوچک­ترین واحد اجتماعی در هر جامعه­اي، از اهمیت ویژه­اي برخوردارند. بی شک تلاش براي کاهش مسائل و مشکلات این واحدهاي اجتماعی و استقرار مناسب آن­ها درچرخه توسعه، مستلزم توجه­اي ویژه است (کلاگر و آقایی، 1393). دانشمندان و صاحب­نظران توسعه معتقدند كه ريشة بسياري از مشكلات كشورهاي درحال توسعه و جهان سوم از جمله مشكلات شغلي و بيكاري در توسعه نيافتگي روستاهاي آن­ها است. نقش و جايگاه روستاها در فرايندهاي توسعة اقتصادي، اجتماعي و سياسي در مقياس­هاي محلي، منطقه­اي، ملي و بين­المللي و پيامدهاي توسعه نيافتگي مناطق روستايي، ضرورت توجه به توسعة روستايي و حتي تقدم آن بر توسعة شهري را آشكار مي­سازد (راسخی و همکاران، 1394). توسعه روستايي يعني بهبود كيفيت زندگي همه مردم به ويژه مردمان كم درآمد. اين امر از طريق بهبود وضعيت كشاورزي، درماني و بهداشتي، فناوري، سياسي، اقتصادي، اجتماعي و آموزشي و نيز تقويت ساختارهاي مشاركتي در جامعه تحقق­پذير است. اما نقطه شروع بايد از خود مردم باشد؛ يعني همان كساني كه از دانش ذاتي پديده­ها و شرايط پيرامون خود برخوردارند و از آنها متأثر مي­شوند. زماني كه آژانس­ها و سازمان­هاي توسعه براي بهبود استانداردهاي زندگي مردمان روستايي تلاش مي­كنند، ضروري است شرايط و سوابق اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي، بوم­شناختي و سياسي در نظر گر فته شود و تا زماني كه اين تلاش­ها بدون توجه به نظرات كشاورزي و منابع آنها انجام گيرد، سرمايه­گذاري­ها و برنامه­هاي توسعه به نتيجه نخواهد رسيد (فاضل بیگی و یاوری، 1388). درواقع، توسعه روستایی اصولاً به معناي تغییر شکل اساسی در همه ابعاد اقتصادي، اجتماعی و روابط انسانی در روستاها است که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه مردم روستا از مواهب آن بهره­مند می­شوند. برنامه­هاي توسعه روستایی باید به مواردي همچون ایجاد اشتغال در بخشهاي کشاورزي و غیر کشاورزي، توسعه اجتماعی، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش سطح رفاه و آموزش و تربیت نیروي انسانی ماهر توجه داشته باشد (کلاگر و آقایی، 1393). در این راستا، صاحبنظران بين المللي بر اين باورند كه جدا از سياستها و استراتژيهاي كلان توسعه و توسعه­ي اقتصادي، بايد به طور ويژه و مشخص به امر توسعه­ي روستاها و ريشه­كني فقر گسترده­ي حاكم بر آن­ها نيز پرداخت (کرد و آبتین، 1392). چرا که جوامع روستايي به نوعي با معضل بيكاري دست به گريبان هستند و ابعاد اين معضل، بخش­هاي اقتصادي، اجتماعي و حتي سياسي را نيز متأثر ساخته است و اين معضل به عنوان يكي از مهمترين مشكلات اقتصادي و اجتماعي روستاها مطرح مي­باشد كه رفع اين مشكل تا حدود بسيار زيادي به تقويت كارآفريني و موفقيت كارآفرينان در نواحي روستايي بستگي دارد (حیدری ساربان، 1394). درواقع، به دلیل بیکاری زیاد در نواحی روستایی، برای رسیدن به توسعه­ی پایدار و همه جانبه و نیز برای کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت بی­رویه­ی روستاییان به شهرها، چنین ایجاب می­شود که به مقوله­ی توسعه­ی کارآفرینی روستایی توجهی ویژه شود (هاشمی و همکاران، 1392).

امروزه توجه به روحیه کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم­ترین راه­کارهاي توسعه روستایی محسوب می­شود. اگرچه کارآفرینی تنها راه کار اشتغال­زایی و افزایش درآمدهاي مردم روستایی نیست، اما قطعاً بهترین و بهره­ورترین نوع آن است (کلاگر و آقایی، 1393). کارآفرینی به عنوان موتور رشد اقتصادي، بهره­وري، نوآوري و اشتغال­زایی شناخته شده است و یکی از ابعاد مهم پویایی اقتصادي محسوب می­شود. کارآفرینی می­تواند با توجه به اثرات مثبت خود، در زمینه حل این مشکلات نقش مهمی ایفا نماید. به همین دلیل، در چند سال اخیر بحث احیا و پویاسازي مجدد نواحی روستایی از طریق ارتقا و توسعه کارآفرینی توجه زیادي را به خود جلب نموده است و در واقع بسیاري از کارگزاران توسعه روستایی به کارآفرینی به عنوان یک راهبرد توسعه پایدار روستایی می­نگرند (کریمی، 1393). توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده­تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. در حال حاضر مؤسسات و اشخاص صاحب نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به عنوان شیوه­ای مداخله جویانه در توسعه می­دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع کند. در این شیوه، به ضرورت ارتقای کارآفرینی در روستاها نیز توجه می­شود؛ به گونه­ای که سازمان­های توسعه، کارآفرینی روستایی را همانند پتانسیلی برای ایجاد فرصت­های وسیع شغلی تلقی می­نمایند، سیاستمداران آن را به عنوان راه­حل کلیدی جلوگیری از آشفتگی روستایی شناخته، کشاورزان آن را به عنوان ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می­گیرند و زنان آن را به عنوان امکان کار در مجاورت منزلشان تلقی می­کنند که این شیوه؛ استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آنان را به حمایت­های جامعه موجب می­شود (تقدیسی و همکاران، 1394). درواقع، اهميت كارآفريني در توسعة روستايي در اين است كه زمينه­هاي استفاده از آن در نواحي روستايي بسيار گسترده و متنوع است و اين نواحي، محيط بكري براي بروز كارآفريني به شمار مي­آيند. فعاليت­هاي مربوط به بخش كشاورزي از جمله زراعت، باغداري، پرورش انواع دام و طيور، زنبور عسل و فعاليت­هاي جنگلداري، آبخيزداري و حفظ منابع طبيعي، حفظ محيط زيست، توسعة صنايع روستايي (صنايع دستي، خانگي، كارگاهي و كارخانه­اي) و گردشگري روستايي مهم­ترين زمينه­هاي بروز كارآفريني در نواحي روستايي هستند. تمامي اقدامات و فعاليت­هايي كه مي­توانند مستقيم يا غيرمستقيم به ايجاد اشتغال و افزايش درآمد بينجامند و به بهره­برداري مطلوب و پايدار و به طوركلي بهبود كيفيت زندگي در نواحي روستايي ياري رسانند، در قلمرو كارآفريني روستايي قرار مي­گيرند (راسخی و همکاران، 1394).

**نتیجه­گیری**

روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده­ای روبرو هستند، از این رو تضمین و تداوم حیات و بقا روستاها نیازمند یافتن راه­حل­ها و روش­های جدید مقابله با مشکلات می­باشند که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرایندها و روش­های جدید بستگی دارد. برای نیل به این هدف، مدیران باید به روش­هایی روی آورند که متناسب با شرایط مکانی و ظرفیت­ها و قابلیت­های روستاها ­باشد. کارآفرینی یکی از روش­هایی است که فرصت­های جدیدی را برای کارآفرینان ایجاد می­کند که می­توانند درآمدشان را بهبود بخشند، دارایی و سرمایه خود را افزایش دهند و روی هم رفته استاندارد زندگی در جوامع روستایی را در نتیجه تشکیلات اقتصادی جدید در کسب و کارهای کوچک و متوسط رشد دهند. درواقع، کارآفرینی روستایی را پتانسیلی برای تنوع و ایجاد فرصت­های وسیع شغلی تلقی می­نمایند، سیاست­مداران آن را به عنوان راه­حل کلیدی جهت جلوگیری از آشفتگی روستایی، کشاورزان آن را به عنوان ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی و زنان آن را به عنوان امکان کار در مجاورت منزل­شان تلقی می­کنند، که این شیوه، استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آن­ها را به حمایت­های جامعه موجب می­شود. البته برای تمامی این گروه­ها، ایجاد کارآفرینی و اشتغال، وسیله­ای برای بهبود کیفیت زندگی افراد، خانواده­ها و اجتماعات مورد نظر می­باشد که نتیجه تعامل آن ایجاد محیط و اقتصاد سالم می­باشد. لذا، ارتباطی تنگاتنگ بین کارآفرینی روستایی و توسعه پایدار روستایی با در نظر گرفتن کارآفرینی به عنوان قابلیتی با اثر مثبت بر روی جنبه­های اقتصادی، اجتماعی و محیطی منطقه تقویت می­شود، توسعه این قابلیت­ها به تقویت فرهنگ و هویت محلی، تنوع­بخشی به فعالیت­های کشاورزی، صنعتی و خدمات روستایی، حفظ جمعیت روستایی با کمترین آسیب­رسانی به محیط روستایی منجر می­شود.

**فهرست منابع**

1. آزما، ف.، و آقایی، ج. (1388). رابطه بین ساختار سازمانی و کارآفرینی سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی. *پژوهشنامه تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، شماره 21.
2. ایزدی، ن.، و عطایی، پ. (1392). کارآفرینی روستایی و نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه آن. *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، دوره 11، شماره 40، صص 34- 30.
3. ترکاشوند، ز. (1393). استراتژی توسعه مشارکتی کارآفرینی روستایی مورد مطالعه: بخش­های زند و سامن (شهرستان ملایر). *فصلنامه علمی – پژوهشی و بین المللی انجمن جغرافیای ایران*، دوره 12، شماره 42، صص 275- 257.
4. تقدیسی، ا.، هاشمی، ص.، و هاشمی، م.م. (1394). تحلیل عوامل موثر در زمینه­های توسعه کارآفرینی نواحی روستایی. *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، دوره 4، شماره 14، صص 98- 83.
5. حسینی لردگانی، م.، میرعرب­رضی، ر.، و رضایی، س. (1387). آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیرساختی برای اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی.
6. حیدری ساربان، و. (1392). نقش توانمندسازی روانشناختی بر تقویت کارآفرینی روستایی (مطالعه­ی موردی: استان اردبیل). *مجله جغرافیا و توسعه­ی ناحیه­ای*، دوره 8، شماره 20، صص 237- 217.
7. حیدری ساربان، و. (1394). بررسی عوامل موثر بر موفقیت کارآفرینان روستایی استان اردبیل. *جغرافیا و توسعه*، شماره 38، صص 168- 151.
8. دیوسالار، ا.، و نقوی، م.ر. (1391). بررسی عوامل موثر در موفقیت کارآفرینان روستایی از بعد اجتماعی نمونه موردی: دهستان میانکاله شهرستان بهشهر. *مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی – پژوهشی دانشگاه گلستان*، صص 94- 75.
9. راسخی، ب.، قمبرعلی، ر.، و علی بیگی، ا. (1394). ارزیابی شایستگی­های کارآفرینان روستایی شهرستان کرمانشاه و شناسایی عوامل موثر بر آن. *پژوهش­های روستایی*، دوره 6، شماره 3، صص 482- 459.
10. رکن الدین افتخاری، ع.، سجاسی قیداری، ح.، و رضوی، ح. راهبردهای توسعه­ی کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه­ی موردی روستاهای شهرستان خدابنده. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره 13، شماره 3، صص 29- 1.
11. زارع احمدآبادی، ح.، و عربشاهی، ش. (1390). الزامات آموزش کارآفرینی زنان روستایی (مورد: زنان روستایی یزد). دو *فصلنامه علمی – ترویجی بانوان شیعه*، دوره 8، شماره 26، صص 72- 49.
12. سجاسی قیداری، ح.، پالوج، م.، رکن الدین افتخاری، ع.، و صادقلو، ط. (1390). ارائه راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی با استفاده از روش­های تحلیل چند متغیره MCDM و SWOT. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره 19، شماره 74.
13. شاه حسینی، ع. (1385). کارآفرینی. *تهران*: آییژ.
14. شهرکی پور، ح.، ندری، خ.، و شیرمحمدی، ر. (1389). بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی با کارآفرینی سازمانی در بین کارکنان دانشگاه لرستان. *فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، شماره چهارم.
15. طوسی، ر.، جمشیدی، ع.، و تقدیسی، ا. (1393). کارآفرینی روستایی و تعیین عوامل موثر بر آن (مطالعه­ی موردی: روستاهای شهرستان مینودشت). *مجله پژوهش و برنامه­ریزی روستایی*، دوره 3، شماره 8، صص 11- 1.
16. عبدالله زاده، غ.، کلاگر، پ.، محبوبی، م.ر.، و عابدی سروستانی، ا. (1393). ملزومات راه­اندازی کسب و کار در نواحی روستایی استان گلستان و تاثیر آموزش­های فنی و حرفه­ای بر آن­ها. *مجله پژوهش و برنامه­ریزی روستایی*، 117- 103.
17. فاضل بیگی، م.م.، و یاوری، غ. (1388). تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی. *تعاون*، دوره 20، شماره 205 و 206، صص 62- 41.
18. کرد، ب.، و آبتین، ع. (1392). بررسی عوامل موثر بر توسعه­ی کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان (با تمرکز بر توسعه­ی مراکز رشد روستایی، توسعه­ی فناوری­های اطلاعات و ارتباطات و توانمندسازی زنان روستایی). *جغرافیا و توسعه*، شماره 32، 14- 1.
19. کریمی، س. (1393). کارآفرینی روستایی: چالش­ها و فرصت­ها. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، دوره 1، شماره 3، صص 119- 101.
20. کلاگر، پ.، و آقایی، م. (1393). بررسی نقش کارآفرینی در توسعه روستایی. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، دوره 1، شماره 1، صص 83- 61.
21. گلدوست، م.، اللهیاری، م.ص.، و عابدی، م. (1393). غربال­گری فازی بازدارنده­های آموزشی توسعه­ی کارآفرینی روستایی استان گیلان. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره 30، صص 43- 31.
22. ولائی، م.، عبدالهی، ع.، منافی آذر، ر.، و صفری، ن. (1394). تحلیل عوامل موثر بر توسعه پایدار روستایی با تاکید بر کارآفرینی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت آباد شمالی- شهرستان میاندوآب). *فصلنامه برنامه­ریزی منطقه­ای*، دوره 5، شماره 19، صص 162- 149.
23. هاشمی، س.، ایمنی، س.، مطیعی لنگرودی، ح.، قدیری معصوم، م.، و رضوانی، م.ر. (1392). توسعه­ی کارآفرینی روستایی با تاکید بر نهادهای محلی (مطالعه­ی موردی: بهاباد، استان یزد). *مجله پژوهش و برنامه­ریزی روستایی*، شماره 3، صص 26- 1.
24. Chowdhury, M.S. ( 2007). Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh, *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 1(3), 240-251*.*
25. Dahlstrand, A.L. (2007). Technology-based entrepreneurship and regional development: The case of Sweden. *European Business Review*, 19(5), 373–86.
26. Saarenketo, S., Puumalainen, K., Kuivalainen, O., and Kylaheiko, K.( 2009). A knowledge-based view of growth in new ventures. *European Business Review*, 21(6), 531-46.
27. Shane, S., and Venkataraman, S. (2000). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, 25(1), 217–226.
28. Stockdale, A., (2006). Migration: Pre- Requisite for Rural Economic Regeneration? *Journal of Rural Studies*, 22(3), 354-366*.*